

امام زاده حمزه بن امام موسی کاظم و برخی مزارات منسوب به وی

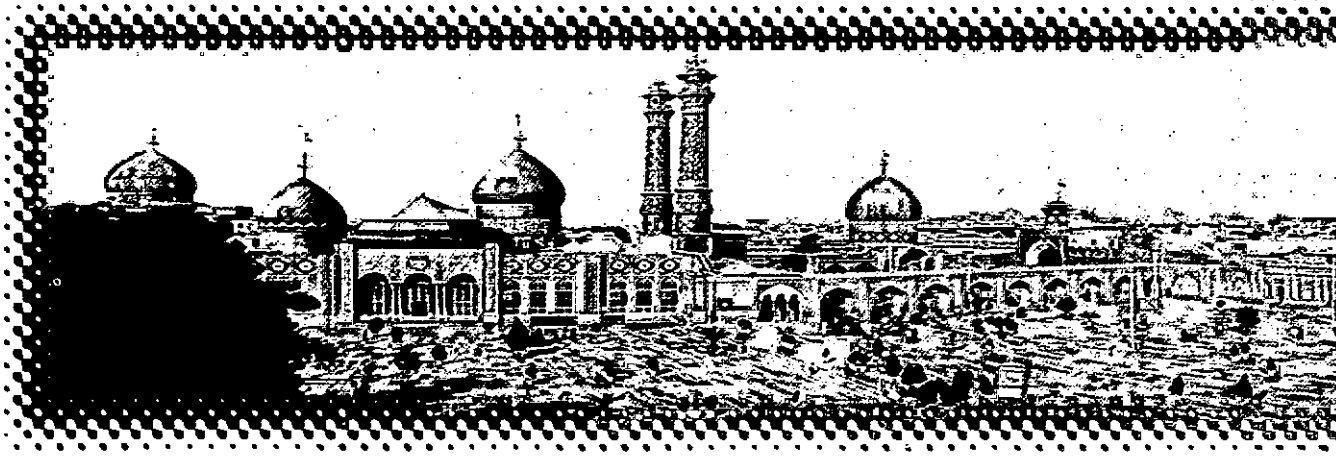
امیر سعید الهی

عالم انساب، حضرت امام موسی کاظم (ع) را پر اولادترین امام معصوم دانسته‌اند، اما در باره تعداد فرزندان و نوادگان آن حضرت در میان مورخان اختلاف نظر وجود دارد؛ «مخفی نماند اولاد و احفاد حضرت موسی بن جعفر - علیه السلام - به اتفاق عامه و خاصه از تمام ائمه معصومین بیشتر است و در کثرت نسل میان ائمه طاهرین حضرت شاه ولایت است و حضرت موسی بن جعفر، اما حضرت امیرمؤمنان از ذکور و اناث بیست و هشت نفر فرزند صلبی از ازدواج عدیده داشتند، حضرت امام هفتم سی و هشت نفر به روایت شیعه اما روایت عامه علاوه است. و صاحب کتاب گلشن آراشخصت نفر از بنات و بنین تعیین کرده است که بیست و سه پسر بودند و سی و هفت دختر. و صاحب کتاب حبیب السیر به طریق شیعه معتقد است، یعنی بیست پسر و هجده دختر؛ و صاحب تاریخ گلشن آرا از شیخ تاج الدین نسابه ذکر کرده است، از اولاد موسی بن جعفر سیزده تن از ایشان عقب ماند، چهار نفر عقبشان بسیار شد و چهار تن متوسط و پنج تن بسیار کم».

ورود حمزه بن موسی به ایران

امام زاده حمزه، ملقب به ابوالقاسم پس از امام رضا (ع) و احمد معروف به شاه چراغ (ع) از معروفترین فرزندان امام موسی کاظم است که در برخی متون از او با عنوان «شاهزاده حمزه بن موسی» یا «شاهزاده میرحمزه» نیز یاد کرده‌اند. مأمون در ۲۰۱ ق هنگامی که در مرو اقامت داشت حضرت امام رضا را به ولیعهدی خویش منصوب کرد و از ایشان خواست که به مرو تشریف فرما شوند. براساس نقل کنزالانساب حضرت رضا بعد از ولیعهدی و سفر به مرو نامه‌ای به مدینه فرستاد و فرزندان و برادران و خواهران خود در مدینه، یعنی اولاد امام موسی کاظم را، که از سوی کارگزاران خلیفه آزار می‌دیدند، از این واقعه باخبر کرد، بدین مضمون که «چون نوشته من به شما رسد بلا درنگ نزد من آید». براساس روایات، تعداد زیادی از امامزادگان از مدینه به سوی مرو حرکت کردند. بدین ترتیب سادات به جانب ایران روی آوردند تا شاید در امنیت و رفاه قرار گیرند. سه سال بعد که خبر شهادت امام هشتم به دست مأمون شنیده شد، سادات که در راه مرو و در سراسر ایران پراکنده شده بودند، در همان جاساکن شدند تا از دنیا رحلت کردند. البته در همان حال نیز عمال خلافت عباسی در جست و جوی آنان بودند.

امام زاده حمزه بن موسی در کوفه اقامت داشت و ورود ایشان و همراهان به ایران با شهادت حضرت امام رضا



مصادف شد (۲۰۴ق). بدیهی است که عمال خلیفه برای جلوگیری از این مهاجرت بیکار ننشسته بودند. اولین برخورد با این کاروان در «خانه زینان» فارس صورت گرفت و از آنجا بنی هاشم به اطراف و اکناف پراکنده شدند.^۱ گفته‌اند که مادر امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر ام‌ولید بوده است و امامزاده حمزه با امامزاده احمد معروف به شاه چراغ در شیراز و امامزاده محمد که در «بردون»، از دهات رودبار مدفون است، از یک مادر بوده‌اند.^۲

بنی حمزه در ایران

نسب دانان بر کثرت فرزندان امامزاده حمزه در ایران (یا بلاد عجم) اجماع کرده‌اند: «فرزندان امامزاده حمزه، نقبای طوس بودند. بنی حمزه‌ای که در عجم هستند از اولاد و اعقاب این بزرگواران به شمار می‌روند. حسب و نسب محمد بن موسی بن احمد که نقیب یعنی سرپرست و رئیس طیس و وزیر پادشاهان سامانیه بود، و نیز حسب و نسب صدرالدین که نامش حمزه و دفتردار سلطان محمد خدابنده (الجایتو) و نقیب همدان بود، به همین امامزاده منتهی می‌شود.»^۳ صاحب کتاب عمدة الطالب آورده است که: «جماعت کویکبه دعوی فرزندی حمزه بن موسی می‌کنند، اما ایشان را حظی از آن نیست... و گویند در نیشابور هم قومی هستند که زعم ایشان آن است که از اولاد امامزاده حمزه‌اند.^۴ به طور کلی تعداد اخلاف امامزاده حمزه را نسبت به سایر برادرانش متوسط ذکر کرده‌اند.

برای نمونه یکی از مشهورترین فقیهان و مجتهدان ایران، که نسب خود را به امامزاده حمزه بن موسی الکاظم می‌رساند، حاج سید محمد باقر شفتی است که معاصر فتح‌علی شاه و محمد شاه قاجار بوده و در اصفهان اقامت داشته است.

بر اساس شجره‌نامه‌ای که خود وی در اول کتاب مطالع الانوار نقل کرده است نسب وی با بیست واسطه از طریق امامزاده حمزه به حضرت موسی کاظم می‌رسد.^۵

سلاطین صفویه

چنان که معروف است سلاطین سلسله صفویه، که دوازده نفر از آنان از آغاز قرن شانزدهم میلادی تا نیمه قرن هجدهم میلادی در ایران سلطنت کردند و مذهب تشیع را در ایران رسمیت و رواج دادند، برای اثبات سیادت خویش

نسب خود را با ۲۴ واسطه به همین امامزاده یعنی حمزه بن موسی الکاظم - از طریق فرزند وی، قاسم - می‌رسانند. شجره‌نامه جد بزرگ آنان یعنی شیخ صفی‌الدین اردبیلی در منابع گوناگون درج شده است که مانسخره‌ای از آن را در اینجا ذکر می‌کنیم: «هوشیخ صفی‌الدین اسحق بن شیخ امین‌الدین جبرئیل بن شیخ صالح بن سید قطب‌الدین ابوسعید صلاح‌الدین رشید بن سید محمد الحافظ بن سید عوض الخواص بن سید فیروز شاه زرین کلاه بن سید شرف‌الدین - شاه بن سید محمد بن سید حسن بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید جعفر بن سید محمد بن ابواسمعیل بن محمد بن احمد الاعرابی بن ابومحمد قاسم بن ابوالقاسم حمزه بن الامام موسی الکاظم»^۶

البته بر این شجره‌نامه که نخستین بار در کتاب صفوة الصفا نوشته ابن بزاز درج شده، نقدهای فراوان وارد شده است و در مورد صحت و سقم آن، نظرات گوناگونی از سوی مورخان و نسب‌دانان ایراد شده است.

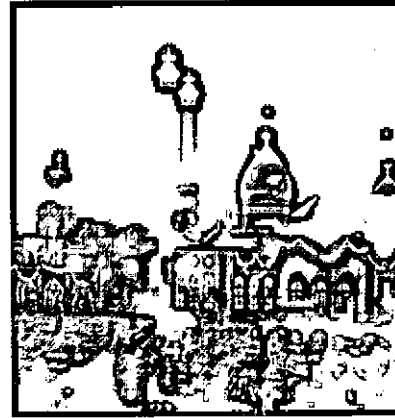
امامزاده حمزه و شهر تهران

بعضی مورخان به نقش مزار امامزاده حمزه در بنای تهران توسط صفویه اشاره کرده‌اند. بدین ترتیب که علت توجه صفویه به تهران اساساً زیارت جدشان امامزاده حمزه در ری بوده است و به همین علت بود که شاه طهماسب دستور ساخت نخستین برج و باروی تهران را که به عدد سوره‌های قرآن ۱۱۴ برج داشته است، صادر کرد: «شاه طهماسب صفوی در دارالسلطنه قزوین مقر سلطنت داشت و گاهی به ری می‌آمد برای زیارت جد بزرگوارش حضرت امامزاده حمزه و چون طهران و مهران که دو قریه در دامنه شمالی کوه شمیران، شکارگاه خوشی بود، لهذا اوقات مدیده در آن رحل اقامت می‌انداخت. پس به امر و حکم ایشان حصار و باروی طهران، به نحوی که مجملاً اشاره کردم، بنا شد. به عبارت دیگر، بنای این شهر توان گفت از برکات زیارت حضرت امامزاده حمزه بوده است. از آنکه مقصود اصلی شاه طهماسب صفوی زیارت این بزرگوار بود و سایرین از سادات و ملوک صفویه بر این طریق مشی کردند، نمی‌توان گفت با وجود علما و محدثین و اهل نسبی که در زمان ایشان بودند حالت این مزار کثیرالانوار مشتبه باشد»^۷

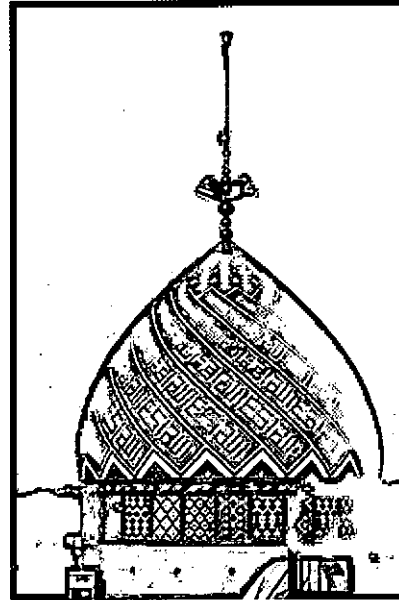
محمد ابراهیم کلباسی نیز به همین معنی اشاره دارد و می‌گوید: «شاه طهماسب صفوی در دارالسلطنه قزوین مقر سلطنتش بوده و گاهی برای زیارت جد بزرگوارش امامزاده حمزه می‌آمد و آن بقعه رفیعه هم از بناهای او می‌باشد. و چون اطراف تهران شکارگاه خوبی بوده مدتی در آنجا رحل اقامت می‌نمودند و امر به ساختن حصار شد و بارویی برای طهران فرموده، پس می‌توان گفت که آبادی و بنای شهر از برکات قبر امامزاده حمزه می‌باشد»^۸

فرزندان بلافصل امامزاده حمزه بن موسی الکاظم

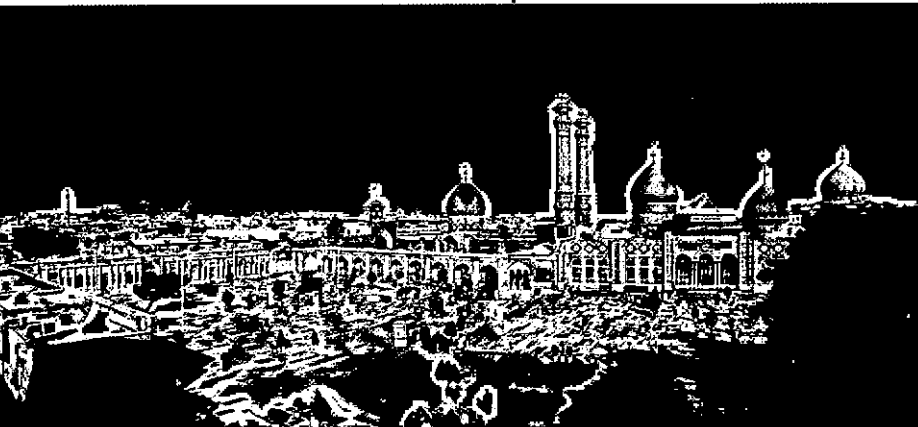
در کتب و مراجع مربوط به انساب، تعداد دختران حمزه بن موسی را هشت نفر و پسران او را



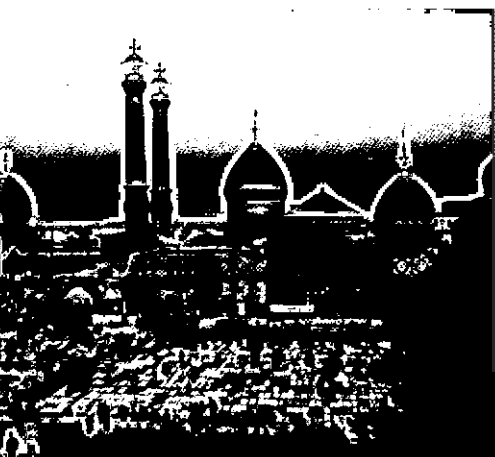
تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۲

به نام‌های علی، حمزه و قاسم ثبت کرده‌اند، ولی در اینکه هر سه اینها اولاد امامزاده باشند، اختلاف هست. برای نمونه در جنت‌النعم آمده است: «اورادو پسر ماند: یکی قاسم و دیگری علی» اما در جای دیگر تصریح می‌کند: «کتب انساب صحیح، که موجود نزد داعی است، نسل حمزه بن موسی را از دو پسر دانسته‌اند: حمزه و قاسم، و گفته است حمزه را پسری

است علی حده که موسوم به علی و در باب اصطخر در خارج شیراز مدفون است، اما نسل ندارد و نسل حمزه بن حمزه اندک است و او را اعرابی می‌خوانند.»

اما در عمدة الطالب مسطور است که: «ابوالقاسم حمزه بن موسی الکاظم کوفی بود، و عقب او در بلاد عجم بسیار است و از دو مرد عقب بگذاشت: یکی قاسم و دیگری حمزه، و از وی علی بن حمزه نیز بود که بدون نسل به دیگر جهان شد. و همان است که در شیراز در خارج باب اصطخر مدفون شد، و مرقدش زیارتگاه است. و اما حمزه بن حمزه بن الکاظم که مادرش ام ولد بود، در مملکت خراسان متقدم بود و او را عقبی است قلیل، بعضی از ایشان در بلخ هستند. و عقبش از فرزندش علی بن حمزه است، از جمله ایشان سید علی بن حمزه بن علی بن حمزه بن حمزه بن حمزه بن موسی الکاظم صلوات الله علیه، دیگر برادر اوست.

و اما قاسم بن حمزه بن کاظم معروف به اعرابی و مادرش ام ولد است، از محمد و علی و احمد عقب بگذاشتند.»^{۱۱}

اعتضاد السلطنه در مورد فرزندان بلا فصل امامزاده حمزه می‌نویسد: «امامزاده حمزه بن موسی الکاظم را یازده فرزند بوده سه ذکور و هشت اناث. اولاد ذکورش اول علی بن حمزه که در شیراز در باب اصطخر مدفون است... دیم حمزه بن حمزه، مادرش ام ولد بوده و جانب خراسان مسافرت نمود... سیم قاسم بن حمزه بن موسی الکاظم، مادرش ام ولد و خود به اعرابی معروف است و نسل حمزه از او انتشار یافت و اولادش محمد و علی و حسن و به عقیدت بعضی احمد نیز بوده و از اولاد محمد بن قاسم بن حمزه جمعی در رومقان [در سمت کوفه] و بعضی در ری و طبرستان و دیلمان بوده‌اند. و از جمله ایشان است ابی جعفر محمد بن موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه که در خدمت ملوک بنی سامان به سر می‌برد و با کتاب و وزرای این سلسله معاشرت می‌نمود.»^{۱۲}

در تذکره العظیمه نیز آمده است: «امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر مادرش ام ولد بوده و کنیه او ابوالقاسم است و از آن بزرگوار دو پسر ماند یکی قاسم و دیگری علی.^{۱۴}» این منبع به حمزه بن حمزه اشاره نمی کند.

در جستجوی مزار امامزاده حمزه

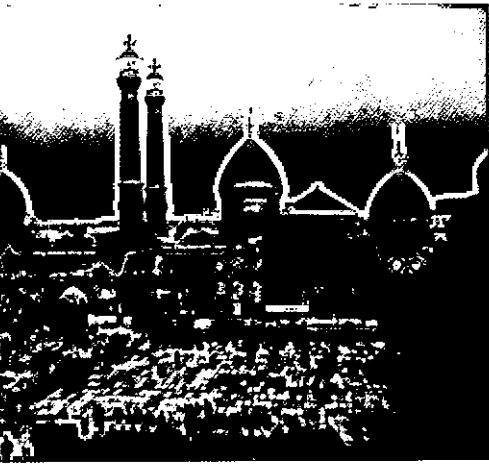
اگرچه بقعه نزدیک به بارگاه حضرت شاه عبدالعظیم در ری به مرقد امامزاده حمزه شهرت بیشتری پیدا کرده است، اما منابع و مآخذ موجود نقاط گوناگونی را به عنوان مرقد این امامزاده معرفی کرده اند و هر یک برای ادعای خود دلایلی نیز آورده اند. شهر ری، شیراز، سیرجان، قم، حله، اصفهان، لاریجان، کاشمر و قریه گلستان از نقاطی است که تاکنون به عنوان مزار امامزاده حمزه معرفی شده اند. ما در اینجا به نقل مهم ترین ادله و شواهدی که در این زمینه عرضه شده است می پردازیم:

۱. شهری

سپهر در ناسخ التواریخ می نویسد: «مرقد مطهر امامزاده حمزه که مجاور ضریح حضرت عبدالعظیم است، اکنون دارای گنبد و ایوان و صحنی عالی و ضریحی سامی است، و با سنگ مرمر و علامت های ممتاز و آینه مزین است. و شاهنشاه دین دار سعید ناصرالدین شاه قاجار - اعلی الله مقامه - که در مراتب ارادت و اخلاص به خاندان رسالت سمت اختصاص و امتیازی مخصوص داشت، به فرمان همایونش مرحوم میرزا محمدکاشانی، مشهور به ملا آقا جونی، نقاش و زرگر متخلص به مجرم که با این بنده سمت خویشاوندی و در علم و زبان عربی مهارتی کامل، و مصنفات، و در فن زرگری و قلمزنی بصیرتی کافی داشت، در ضریح حضرت عبدالعظیم خدمات نمایان کرد. و نیز بر حسب اشاره مرحوم دوست علی خان معیر الممالک، آن شاهنشاه مبرور، ضریحی از نقره سفید برای مرقد مطهر حضرت امامزاده حمزه برکشید، و چون در فن شعرگویی نیز بی استعداد نبود، این شعر را در تاریخ آن مرقد مطهر گفته است:

این مقرنس بارگاهی کاین چنین خوش منظر است این مقام مدفن نور دو چشم حیدر است
حضرت عبدالعظیم آن سرور عالی مقام نور چشم فاطمه محبوب حی داور است
گفت «مجرم» بهر تاریخی که شد نقش این ضریح یک هزار و سیصد از هجر نبی اکبر است^{۱۵}

از قدیمی ترین مورخانی که به مزار امامزاده حمزه در کنار مرقد حضرت عبدالعظیم اشاره کرده اند شیخ نجاشی از معروف ترین رجال در قرون چهار و پنج هجری است که تمام عالمان و فقیهان او را ستوده، از او به بزرگی و صفای باطن یاد کرده اند. وی در کتاب فهرست خود معروف به رجال نجاشی از قول احمد بن محمد بن خالد برقی می گوید: «عبدالعظیم در حال خوف و فرار از خلیفه وارد شهری گردید، و در سرداب منزل یکی از شیعیان ساکن شد. وی در آن زیرزمین که مخفی گاه او بود روزها را روزه می داشت و شب ها را به نماز می پرداخت. وی گاهی از آن منزل مخفیانه بیرون می شد و قبری را که در مقابل قبر او واقع شده زیارت می کرد، بین این دو قبر راهی واقع شده بود. حضرت عبدالعظیم می فرمود: این قبر یکی از فرزندان موسی بن جعفر است.»^{۱۶}



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶

نویسنده کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم نیز پس از نقل مطلب فوق اضافه می‌کند: «عده‌ای از مؤلفین و نویسندگان عقیده دارند این قبری که حضرت عبدالعظیم به زیارت او می‌رفته و می‌فرموده: این قبر یکی از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام است، باید همین مزاری باشد که اکنون در مجاورت بقعه شریفه اوست، این مزار اکنون به امامزاده حمزه فرزند موسی بن جعفر معروف است. راجع به حمزه بن موسی و محل دفن او اختلاف است؛ جمعی عقیده دارند که وی در اصطخر شیراز مدفون است، و در کاشمر هم اکنون مزاری به نام او هست، و در قم نیز بقعه و بارگاهی به نام او ساخته شده و اکنون مزار است. در بسیاری از کتب انساب که اکنون در دست نگارنده است، از تاریخ وفات و محل دفن حمزه بن موسی چیزی دیده نمی‌شود. به طور کلی راجع به حمزه بن موسی اطلاع درست و صحیحی که بتوان به آن اعتماد کرد مشاهده نمی‌شود و اکثراً احتمال می‌دهند که همین مزار معروف در مجاور حضرت عبدالعظیم متعلق به او باشد.

مطلب قابل توجه این است که حضرت عبدالعظیم را در باغی دفن کردند که قبل از او کسی در آنجا دفن نشده بود. صاحب باغ پس از دفن [حضرت] عبدالعظیم گفت: من این باغ را برای اموات شیعیان وقف کردم که مردگان خود را در آنجا به خاک بسپارند و این باغ پس از این به مقابر شجره معروف شده واللّه اعلم بحقائق الامور.^{۱۷} علامه مجلسی در تحفة الزائر نوشته است که: «حضرت عبدالعظیم بن عبداللّه حسنی از سلطان عصر فرار کرده به ری آمد، و در سردابی در خانه مردی از شیعیان در سکه الموالی مخفی شد و در آنجا به عبادت و قیام لیل و صیام یوم مشغول همی بود. و پنهان بیرون می‌آمد و قبری را که برابر قبر شریف خود آن بزرگوار است زیارت می‌نمود و می‌فرمود این قبر مردی از فرزندان امام موسی است، و پیوسته در آنجا می‌گذرانید. قبر شریف امامزاده حمزه فرزند حضرت امام موسی نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم است و ظاهراً همان امامزاده است که [حضرت] عبدالعظیم او را زیارت می‌فرموده است، و می‌بایست آن مرقد منور را زیارت کرد.^{۱۸}

صاحب جنت النعیم نیز به این معنی اشاره کرده و می‌گوید: «یکی از علمای آن زمان، قاضی نوراللّه شوشتری است که خبر می‌دهد از نسب آن سید جلیل و احترامی که حضرت عبدالعظیم بر این مزار شریف می‌فرمود، همانا بر صحت مراد دلالت می‌نماید از آنکه جلالت قدر امامزاده حمزه اجل از اعقاب و احفاد وی بوده است و البته کسی که بدون فاصله منتسب است به امام با قدس و زهدی فطری از طبقات لاحقین محترم‌تر است و این زیارت‌نامه هم که خوانده می‌شود از قدمای

علماست که می خوانند: یا زائر قبر خیر رجل من ولد موسی بن جعفر. مراد از ولد، فرزندان بلا واسطه اند و نباید معارض مدعی به داعی دلیلی جز بعضی اقوال مورخین بوده باشد».^{۱۱}

به نظر صاحب مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ممکن است که مزار فعلی در شهر ری، که منسوب به امامزاده حمزه بن موسی (ع) است، از آن فرزند وی، یعنی حمزه بن حمزه بن امام موسی باشد، که می گویند به آهنگ خراسان بر این خاک عبور کرده و در این خاک به گور رفته است.^{۱۲}

بررسی ها نشان می دهد که در هیچ یک از کتب انساب ذکری از این که امامزاده حمزه بن موسی (ع) در ری مدفون باشد نشده است. لسان الملک سپهر احتمال می دهد که مرقد فعلی (منسوب به امامزاده حمزه) در ری از آن «اسماعیل پسر دیگر امام موسی کاظم باشد؛ زیرا از مدفن این امامزاده در هیچ مأخذی یاد نشده است؛ در حالی که به مزار امامزاده حمزه در نقاط دیگر تصریح شده است.»^{۱۳}



تصویر شماره ۷

در حاشیه کتاب نقدالرجال از میرمصطفی علیه الرحمه و در ذیل احوال حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن علی بن ابی طالب (ع) نوشته اند که: «این حمزه بن قاسم که از احفاد مولانا ابوالفضل عباس بن امیر المؤمنین صلوات الله علیهم است، همان است که قبر شریفش برابر قبر مولانا عبدالعظیم حسنی است.»^{۱۴} لسان الملک سپهر با استناد به همین امر معتقد است که جای شک و شبهه نمی ماند که امامزاده حمزه مدفون در ری از فرزندان زادگان و اعقاب حضرت ابوالفضل عباس بن امیر المؤمنین است.

ولی اعتضاد السلطنه می نویسد: «میرزا محمد اخباری در رجال خود گوید که حمزه بن موسی الکاظم هاشمی در ری مدفون و مرقدش زیارتگاه مسلمین است و هم مصنف کتاب شجرات گوید که حمزه مدفون در ری، حمزه بن موسی است.»^{۱۵} روی هم رفته این امکان هم وجود دارد که امامزاده حمزه بن موسی (ع) که برای دیدار برادر بزرگوارش حضرت امام رضا (ع) به خراسان می رفته در شهر ری وفات کرده و در همان جا به خاک رفته باشد.

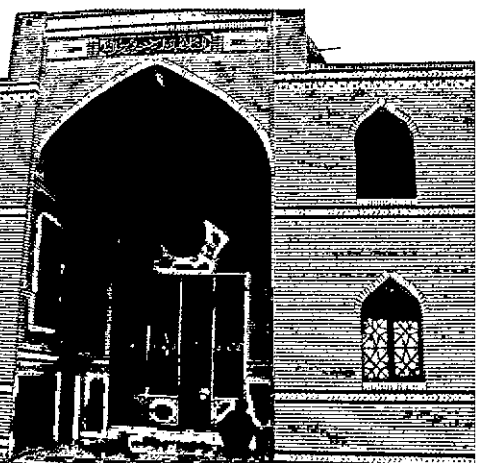
۲. ترشیز (نزدیکی نیشابور)

اسکندر بیگ منشی در جلد اول عالم آرا ضمن ذکر نسب سلاطین صفویه در طی شرح احوال اجداد شاه اسماعیل می گوید که: «وی به اتفاق جمهور علمای انساب از اولاد نامدار حضرت امام موسی کاظم (ع) است و نسب همایون او به امامزاده عالی مقام ابوالقاسم حمزه بن موسی که به قول اصح در سو سفید ترشیز مدفون است، منتهی می گردد. بالجمله سلاطین صفویه در سو سفید ترشیز در مقبره ابوالقاسم حمزه بقعه عالییه نهاده و موقوفات زیاد قرار داده بودند که اکنون آثار آن باقی است. اگر قول اسکندر بیگ منشی و ادعای صفویه را قبول کنیم فرزند بلا واسطه امام موسی کاظم در سو سفید ترشیز است و این امامزاده حمزه مدفون در ری، فرزند مع الواسطه خواهد بود...»^{۱۶}

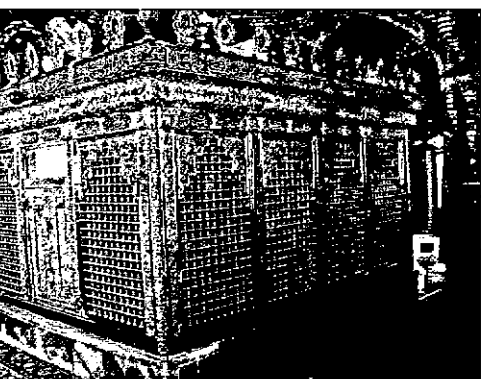
با این همه اعتضاد السلطنه در جای دیگری می نویسد: «گمان این است که قبر حمزه بن موسی در ری است



تصویر شماره ۸



تصویر شماره ۹



تصویر شماره ۱۰

و این که در ترشیز است قبر حمزه بن حمزه بن موسی الکاظم است. چون در احوال او نوشته اند که به خراسان رفت.^{۱۵}

عین متن مندرج در تاریخ عالم آرای عباسی که در زمان شاه عباس صفوی تدوین شده به این شرح است: «به اتفاق جمهور علمای انساب از اولاد نامدار حضرت کاظم علیه السلام نسب همایون، به امامزاده عالی مقام ابوالقاسم حمزه که به قول اصح در سو سفید ترشیز مدفون و مرقد شریفش مطاف مردم آن ولایت است، منتهی می گردد.»^{۱۶}

۳. شیراز

چنان که نقل شد قبر حمزه بن موسی بن جعفر، که کنیه او ابوالقاسم است، در اصطخر شیراز مشهور بوده و زیارتگاه عموم مردم است؛ اما جنت النعیم اصطخر شیراز را مدفن علی بن حمزه بن موسی معرفی می کند. مؤلف عمده الطالب نیز در بیان حال و مدفن حمزه بن موسی و اولاد او تصریح به شیراز می کند و نامی از ری نمی برد.^{۱۷} در شهر شیراز نیز قبه و بارگاهی است منسوب به همین بزرگوار.^{۱۸}

با توجه به این که امامزاده حمزه بن موسی برادر تنی حضرت احمد بن موسی مشهور به شاه چراغ بوده است و حضور این دو برادر در فارس کم و بیش قطعی است و می دانیم که پس از اولین برخورد با عمال خلیفه در «خانه زنیان» فارس پراکنده شده اند، اقوال مربوط به وجود مدفن این امامزاده در شیراز قوی تر به نظر می رسد. به ویژه که نوشته اند: «... حمزه [بن موسی] به اتفاق خواهرش در محلی که اکنون دهکده «بزم»، در ۲۲ کیلومتری سوریان [مرکز بوانات] قرار دارد مقتول یا در گذشته و مقبره خواهر و برادر به فاصله ۲۰۰ متری یکدیگر قرار گرفته است...»^{۱۹} علی بن حمزه نیز در اثر فشار خلفای عباسی در سال ۲۲۰ هجری قمری به حال فرار به شیراز آمد و در غاری که بعداً باباکوهی برای اعتکاف خود برگزید پنهان شد.^{۲۰} بقعه موسوم به شاه میرعلی بن حمزه در شیراز نزدیک پل تاریخی دروازه اصفهان واقع شده است.

از مجموع این گفته ها چنین بر می آید که امامزاده حمزه بن حمزه بن موسی همراه پدر در ری بوده باشد و چون خبر شهادت امام رضا (ع) را شنیده سفر خراسان را خطرناک شمرده، از ری به جانب شیراز سفر کرده باشد.

۴. قم

در تاریخ قم عبارتی است که دلالت می کند بر آنکه شاهزاده حمزه بن امام موسی

در قم مدفون است و همین بقعه که نزدیک میدان کهنه قم واقع است در میان آن بقعه مرقد منور او می باشد: «یحیی صوفی به قم اقامت کرد و به میدان زکریا بن آدم نزدیک مشهد حمزه بن امام موسی کاظم بن جعفر وطن و مقام گرفت.» در این عبارت تاریخ قم چنین معلوم می شود که حمزه بن امام موسی همین شاهزاده حمزه ای است که در قم می باشد و اگر غیر از او بود عبارتی غیر از این ذکر می کرد.^{۲۰}

این بقعه در حال حاضر در منطقه سیدان قم واقع در جنوب بارگاه حضرت معصومه (س)، و نزدیک امامزاده زید قرار دارد.

۵. سیرجان

در کتاب لب الانساب آمده است: «حمزه بن امام موسی، مادرش ام ولد بود و مدفن آن جناب سیرجان کرمان است.»^{۲۱}

۶. قریه گلستان (از توابع استرآباد)

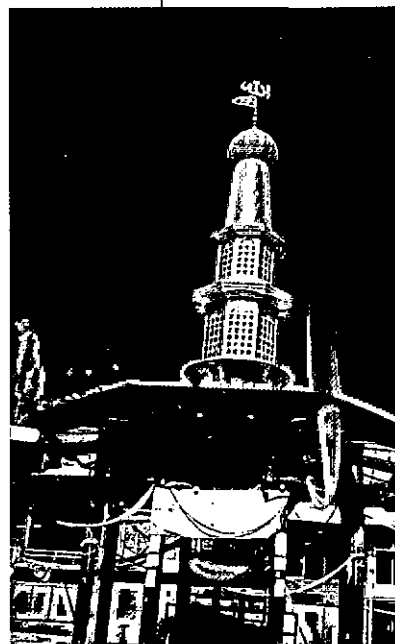
محمد حسن خان اعتماد السلطنه که در سال ۱۳۰۰ قمری به همراه ناصرالدین شاه به خراسان رفته است در سفرنامه خود به بقعه ای در قریه گلستان اشاره می کند که به مزار امامزاده حمزه معروف بوده است. وی در این زمینه می نویسد: «در خارج قریه گلستان، که از اراضی استرآباد است، قبرستانی در کنار راه واقع شده و بقعه ای در این قبرستان بنا کرده اند و می گویند امامزاده ای موسوم به حمزه و مکنی به ابی القاسم حمزه بن موسی بن جعفر است. و این بقعه عبارت از یک اطاق و ایوانی است در جلوی آن، و قبر در اطاق است و این عبارات در طرف بالای ایوان رسم شده است: بنای تعمیر این گنبد گردون اساس عظیم القیاس، و این کریاس خورشید اقتباس و بنیاد نهاد این آستان فلک نشان ملک شان جوزامکان و این روضه مقدسه مبارکه و بقعه متبرکه عرش درجه امامزاده واجب التعظیم و التکریم امامزاده ابوالقاسم بن موسی بن جعفر علیهم و علی آبائهم آلف التحیه و الثناء.

روضه ماء نهرها سلسال	دوحه سجع طیرها موزون
آن پراز لاله های رنگارنگ	این پراز میوه های گوناگون
باد در سایه درختانش	گسترانیده فرش بوقلمون

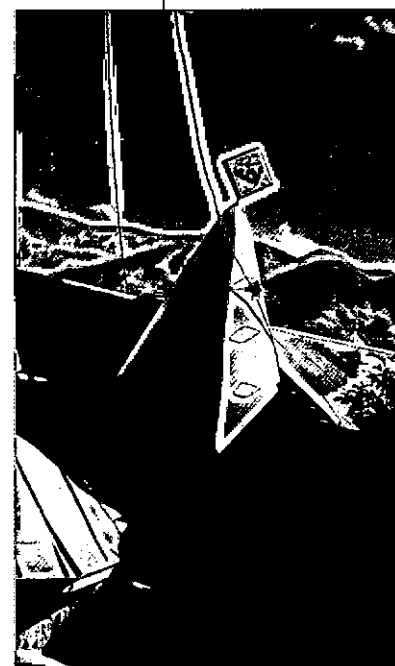
در ضلع جنوبی اطاق در محراب کریمه، آیه الکرسی کتیبه شده است، در الواح قبرستان مذکور، لوحی که قدیم تر از هزار و دویست و شصت باشد دیده نشده است.^{۲۲}

۷. لاریجان

دکتر منوچهر ستوده در گزارش تحقیقاتی خود از بناها و آثار تاریخی مازندران غربی به بقعه امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر در کریم محله «رینه» واقع در «بالا لاریجان» که بر سر راه جاده هراز است، اشاره کرده، بنا را به این شرح می نویسد: «بقعه امامزاده حمزه بن



تصویر شماره ۱۱



تصویر شماره ۱۲

موسی بن جعفر - علیه السلام - در کریم محله رینه، بنای اصلی بقعه از خارج هشت ترک با گنبدی کلاه درویشی و از داخل چهارگوشه با گنبدی عرق چینی است. در هر ضلع بقعه از داخل دو طاق نما با طاق هلالی است که یکی داخل دیگری است. درها و صندوق بقعه تخته‌ای است و کنده کاری ندارد. بقعه را از کاشی های نقش دار دوران قاجار فرش کرده اند. بنای بقعه مشرف به تکیه و در جنوب مسجد جامع است.»^{۲۳}

۸. جزیره (جنوب حله)

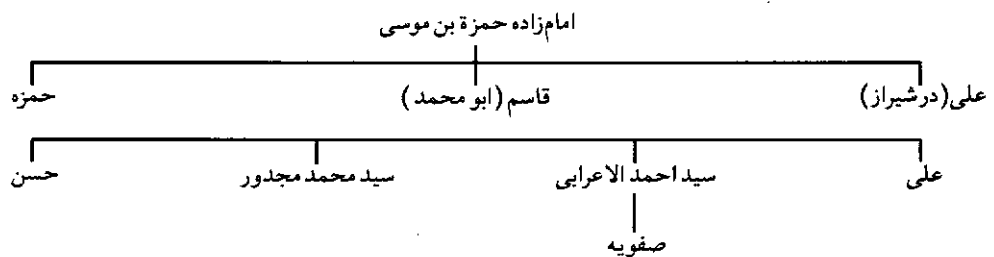
شیخ عباس قمی در کتاب منتهی الآمال روایتی را از آقاسید مهدی قزوینی به نقل از والدش، آورده که نشان می دهد در جزیره، واقع در جنوب حله بین رودهای فرات و دجله، مزاری است معروف به قبر حمزه بن موسی الکاظم و مردم او را زیارت می کنند و برای او کرامات بسیار نقل می کنند؛ و حول آن قریه ای است مشتمل بر صد خانوار. سید مهدی قزوینی می گوید که در حال مکاشفه شبی با حضرت صاحب الامر (عج) ملاقات کرده و آن حضرت به او می فرماید که بسا چیزهاست که شهرت یافته ولیکن اصلی ندارد، این قبر حمزه فرزند موسی کاظم - علیه السلام - نیست هر چند چنین مشهور است، بلکه این قبر ابوعلی حمزه بن قاسم علوی عباسی از فرزندان حضرت ابی الفضل العباس است.^{۲۴}

۹. اصفهان

در سال ۱۳۷۶ شمسی، که به اصفهان رفته بودم، به زیارت بقعه متبرکه ای که در ضلع شمالی تقاطع خیابان های سروش و صغیر اصفهانی قرار داشت نایل شدم. تابلوی بزرگ سردر بقعه، آنجا را « مرقد مطهر شاهزاده میر حمزه بن موسی بن جعفر » معرفی می کرد. در مجموع بنای ساده و کوچکی بود و تا آنجا که در خاطرمان مانده است کتیبه خاصی نداشت و یا شاید من آن را ندیدم. این بقعه تاکنون در هیچ یک از مراجع و منابع تاریخی یا انساب به عنوان مرقد امامزاده حمزه بن موسی معرفی نشده است.

اعقاب حضرت امامزاده حمزه بن موسی

همان گونه که ذکر شد، فرزندان بلا فصل امامزاده حمزه را به نام های حمزه، قاسم و علی ثبت کرده اند. «نسب حمزه بن حمزه به غایت اندک است و حقیقت حال اولاد او چنانکه باید معلوم نیست. نسل قاسم از فرزندش محمد مشهور به اعرابی است و علی بن قاسم نسل ندارد.»^{۲۵} لازم به یاد آوری است که در کتب گوناگون انساب در اینکه «اعرابی» محمد است یا احمد اختلاف وجود دارد و به طور قطع نمی توان در این مورد نظر داد.



در اینجا به ترتیب از سه منبع ناسخ التواریخ، سراج الانساب و شجرة المبارکه اعقاب حمزه بن

موسی الکاظم را می آوریم.

۱. ناسخ التواریخ

« بیان اعقاب جناب حمزه و از بنی محمد بن قاسم بن حمزه که بعضی گفته اند: اعرابی همان است ابو جعفر محمد بن موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه بن الکاظم است، در پیشگاه ملوک آل ساسان خدمت می نمود و با نویسندگان و وزرای ایشان معاشرت داشت. و شعر نیز می گفت.

از جمله ایشان احمد مجدور بن قاسم بن حمزه است که جمعی اولاد داشت؛ از جمله ایشان اسماعیل و محمد مجدور است که دارای اعقاب هستند. از جمله این جماعت نقبای طوس و سادات آن زمین بودند؛ و از جمله این طایفه جلیله، ابو جعفر محمد بن موسی بن احمد مجدور نقیب طبس است که سیدی جلیل و شاعری ممدوح و مطبوع و دارای عقب است. و قومی هستند که ایشان را کوکیه گویند، و ادعای نسبت به این خاندان کنند، لکن به دروغ سخن نمایند و در این نسب بهره ندارند و خود را به محمد مجدور بن احمد بن قاسم منسوب می شمارند، و به احمد بن محمد مذکور چهارتن برادر خود را منسوب می خوانند و ایشان حسین و عبدالله و علی و عباس هستند و همه عقب بگذاشتند. لکن این زیاد افسطی نسابه ایشان را از این نسب نفی کند و ادعای ایشان را تکذیب می نماید.

شیخ شرف عبیدی گوید: در نیشابور قومی هستند که چنان پندار می نمایند که از فرزندان محمد بن محمد بن قاسم بن حمزه بن الکاظم می باشند، لکن ایشان ادعیا هستند و به باطل سخن می رانند.

و از بنی محمد بن قاسم بن حمزه بن الکاظم - سلام الله علیه - احمد بن زید ملقب به «سیاه» بن جعفر بن عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه بن الکاظم - صلوات الله علیه - است که در بغداد اقامت داشت و در آنجا اولاد بگذاشت. و از جمله ایشان محمد، مدعو به زنجار، است. او را فرزندان می باشد که آنها را «بنوسیاه» نامند، و از جمله ایشان ابوالقاسم حمزه بن حسین ملقب به ابی زبیب بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی کاظم - سلام الله علیه - است. پدر حمزه ابوزبیه حسین منکر نسب حمزه بود، لکن نقیب همدان نسب او را تجویز نمود. و شیخ العمری گوید: گمان دارم این شهادت بر پسرش بر حسب عقد با مادرش بوده و اینکه وی در فراش او متولد شده است، می باشد والله اعلم. و از فرزندان محمد بن قاسم بن حمزه بن کاظم می باشد که در زمان سلطنت سلطان الجایتو خان دفتر دار بود و در واقعه وزیر صدرالدین (زنجانی) چشمش کور شد. و هو حمزه بن حسن بن محمد بن حمزه بن امیرک بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن محمد بن عبدالله بن محمد مذکور، والله اعلم.»^{۳۶}

۲. سراج الانساب

« و عقب ابوالقاسم حمزه بن امام موسی الکاظم از دو پسرند: حمزه، و ابو محمد قاسم، و او را پسری دیگر بود علی نام، در باب خارج شیراز مدفون است اما نسل ندارد. و نسل حمزه بن حمزه به غایت اندک است و حقیقت حال اولاد او چنان که باید معلوم نیست. و نسل ابو محمد القاسم بن حمزه بن امام موسی از محمد الاعرابی بن قاسم بن حمزه، و نسل احمد بن محمد الاعرابی المذكور از چند پسر است، از ایشان ابو محمد اسماعیل که جد اعلی حضرت پادشاه دین پناه - خلد الله ملکه و سلطانه - چنانچه در این رساله مذکور است. و نسب شریف امیر

نظام‌الدین درویش علی بیگ متولی مشهد رضا (ع) به ابی محمد اسماعیل منتهی می‌شود، نقبای عظام و سادات کرام موسویة مشهد مقدسه به موسی و محمد المزور [یا مجدور] فرزندان احمد بن محمد بن قاسم بن حمزه منتهی می‌شود. از ایشان سید النقیب غیاث‌الدین محمد بن شریف بن نظام‌الدین علاء‌الملک بن عبدالمطلب النقیب بن نظام‌الدین عبدالحی بن طاهر بن محمود شاه بن حسین الزین طاهر نقیب.»^{۳۷}

۳. شجرة المبارکه

«أما حمزة بن موسى الكاظم فعقبه من رجلين: القاسم، وحمزه. أما القاسم بن حمزه، فعقبه من واحد وهو محمد الاعرابي. ولمحمد الاعرابي من الابناء المعقبين ستة: أحمد أبوعلی الاسود النقیب بطوس، و عبد الله أبو محمد الجرجانی یلقب «أبی زبيب» و موسی عقبه بطبرستان و القاسم بهرات، و العباس سیاه بطبرستان، و علی بهرات. أما أحمد الأسود ابن محمد الاعرابي ابن القاسم بن حمزة بن موسى الكاظم علیه السلام فله من الاولاد المعقبين ثلاثة: موسی أبوالحسین بمشهد طوس، و المهدي عقبه بكوفن أبیورد و محمد أبو جعفر المجدر بهرات. أما موسی بن أحمد الأسود، فعقبه من ابن واحد اسمه محمد أبو جعفر الاسود النقیب بطوس. و عقب محمد هذا من رجل واحد حمزه أبو القاسم النقیب بطوس. و لحمزة هذا رجلان: زيد الرئيس النقیب بطوس، و ناصر أبو الحسن، و النقابة و الرئاسة بطوس فی اولاد زيد.

و أما مهدي بن أحمد الأسود، فله ابن واحد هو أبو الفتح أحمد بكوفن فی عهد السلطان ملك شاه، و خلف بها اولاداً و لبعضهم عقب. و أما محمد المجدر ابن أحمد الأسود، فله من المعقبين ثمانية: أحمد أميرجه بهرات، و الحسن و علی أبو القاسم المجدر و الناصر و اسماعیل و موسی و أميرجه و حمزه. و لجمعهم أعقاب بهرات و طوس و نيسابور. أما أحمد أميرجه بهرات، فله من المعقبين أربعة: اسماعیل، و حمزه و أميرك و قيل: لا عقب لا ميرك.

و أما اسماعیل بن أحمد أميرجه، فله رجل واحد هو محمد بن أبی یعلی بطوس و من ولده السيد الاجل جمال‌الدین أبو ابراهيم موسی بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن أحمد أميرجه، كان نقیباً بمشهد طوس و النقابة فیها الان فی ولده.

و أما الحسن بن محمد المجدر، فله زيد. و لزيد هذا الحسن المعروف «ابن ست العجم» و له ابن اسمه زيد كان عالماً، و كان يعرف شيئاً من علم النسب. أما علی المجدر بن محمد المجدر، فمن عقبه بهرات الحسن بن أميرك بن حمزة بن علی المجدر. و أما الناصر بن محمد المجدر، فله ابنان: الداعي، و محمد أميرك، و للداعي ابنان: أبو طالب محمد المعروف «مجال طلب» و أبو عبد الله. و أما اسماعیل بن محمد المجدر، فله ابنان: أميرك، و أبو یعلی. و أما موسی بن محمد المجدر، فعقبه بنيسابور. و أما أميرجه بن محمد المجدر، فعقبه ببخارا.

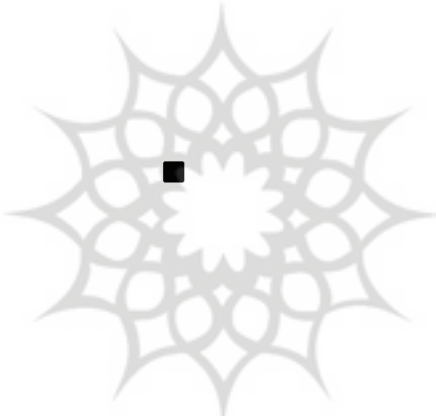
أما حمزه بن محمد المجدر، فله عدد بهرات، و له ابن اسمه حمزة، و لحمزة بن حمزة: اسماعیل، و له اولاد كانوا سادة زمانهم، و هم: أبو لقاسم، و حمزه، و أبو یعلی، و أميرك، و معلی. و لكل واحد منهم عقب، و هم بأسرهم صلحاء فضلاء، و فیهم النعمة و الثروة و البر و الاحسان، و هم بأسرهم بهرات. فقد فرغنا من عقب أحمد الأسود ابن محمد الاعرابي.

أما عبد الله بن محمد الاعرابي الملقب «أبی زبيب» فله عقب قليل بفارس و أرجان. و أما موسی بن محمد

الاعرابی، فله عقب قليل بطبرستان. وأما القاسم بن محمد الاعرابی، فله علی. وعلی: الحسن، والحسين، و
لهما أولاد بهرات.

وأما أبوالعباس سیاه بطبرستان ابن محمد الاعرابی، فله أولاد بها، منهم: جعفر، وزید، والحسن، ولهم
أعقاب. وأما علی بن محمد الاعرابی، فله ابن واحد اسمه الحسن وعقبه بطبرستان.

فقد فرغنا من أولاد القاسم بن حمزة بن موسى الكاظم عليه السلام. أما حمزة بن حمزة بن موسى الكاظم
عليه السلام فمن ولده ببلخ السيد النجيب أبو الحسن حمزة بن حمزة بن علی بن [حمزة بن علی بن] حمزة بن
حمزة بن موسى الكاظم عليه السلام ولا عقب لحمزة بن حمزة بن موسى الكاظم عليه السلام الا من حمزة بن
حمزة هذا، وله من الابناء أربعة: علی النجيب ببلخ، وأحمد، ومحمد، وعبيدالله، ولهم عقب. فقد فرغنا من
حمزة بن موسى الكاظم عليه السلام، فقد فرغنا من نسب أولاد موسى الكاظم عليه السلام المتفق علی صحته،
والله أعلم.»^{۳۸}



پی نوشتها

۱. جنت النعیم والعیش السليم، محمد باقر کجوری مازندرانی، ۱۲۹۸، ص ۴۸۴.
۲. بزرگان شیراز، رحمت الله مهران.
۳. تذکرة العظيمة، محمد ابراهيم کلباسی، مطبعة برادران باقرزاده، ۱۳۴۶ ق، ص ۱.
۴. اختران تابناک یا کشف الکواکب، ذبیح الله محلاتی، اسلامیه، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۱۳.
۵. جنت النعیم والعیش السليم، ص ۴۷۸.
۶. ما در اینجا با استناد به کتاب جنت النعیم آن را می آوریم: «محمد باقر بن محمد تقی بن محمد زکی بن محمد تقی بن شاه قاسم بن
سید اشرف بن شاه قاسم بن شاه بن امیر بن هاشم بن السلطان السید علی قاضی بن السید علی بن السید محمد بن السید علی بن السید
محمد بن السید موسی بن السید جعفر بن السید اسمعیل بن السید احمد بن السید محمد بن السید قاسم بن سید حمزة بن سیدی و مولای و
سندی و مقتدای موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب علیه وعلیهم السلام.»
۷. جنت النعیم والعیش السليم، ص ۴۷۸.
۸. همان.
۹. تذکرة لعظيمة، ص ۱.
۱۰. جنت النعیم، ص ۴۸۶.
۱۱. همان، ص ۴۸۸.
۱۲. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۰۴.
۱۳. شرح حال امام زادگان ری، علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه، ۱۳۹۵ ق، نسخه خطی شماره ۳۵۲/ف کتابخانه ملی ایران.

۱۴. تذکره العظیمه، ص ۱.
۱۵. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۲۵۳.
۱۶. زندگانی حضرت عبدالعظیم، عزیزالله عطاردی قوچانی، چاپخانه حیدری، ص ۲۶.
۱۷. همان.
۱۸. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۲۴۳.
۱۹. جنت النعیم، ص ۴۸۶.
۲۰. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۲۴۷.
۲۱. همان، ص ۲۴۵.
۲۲. همان، ص ۲۴۳.
۲۳. شرح حال امام زادگان ری.
۲۴. همان.
۲۵. جنگ علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه، نسخه خطی شماره ۶۱۵۱ کتابخانه ملک.
۲۶. تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندریبیک ترکمان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴، ص ۹.
۲۷. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۲۵۱.
۲۸. اختران تابناک یا کشف الکواکب، ص ۲۱۳.
۲۹. بزرگان شیراز، رحمت الله مهراز.
۳۰. انوار المشعشعین، محمد علی، تهران، ۱۳۲۷ق.
۳۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۲۴۲.
۳۲. مطلع الشمس، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران، پیشگام، ۱۳۶۲.
۳۳. از آستارا تا استرآباد، ج ۳ (شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی)، منوچهرستوده، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵، ص ۴۱۹.
۳۴. اختران فروزان ری و طهران یا تذکره المقابر فی احوال المفاهیر، محمد شریف رازی، قم، مکتبه الزهراء، بی تا.
۳۵. سراج الانساب، ص ۷۶.
۳۶. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۰۵-۳۰۶.
۳۷. سراج الانساب، ص ۷۶.
۳۸. شجرة المباركة، ص ۹۶-۹۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی